

دکتر جورج پیتون، ترجمه کتاب مقدس، جلسه ۱۵، چالش‌های ترجمه و ارتباطات مسائل زبان‌شناسی، ایده‌های ناشناخته

جورج پیتون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جورج پیتون هستم در تدریسش در مورد ترجمه کتاب مقدس. این جلسه ۱۵ است، چالش‌ها در ترجمه و ارتباط، مسائل زبان‌شناسی، ایده‌های ناشناخته

حالا می‌خواهم در مورد یک چالش ترجمه دیگر صحبت کنم.

این نوعی ترکیب بین زبان و فرهنگ است. این نحوه ترجمه ایده‌های ناشناخته است. یک ایده ناشناخته چیزها و مفاهیمی هستند که در کتاب مقدس وجود دارند و لزوماً در فرهنگ دیگری وجود ندارند.

به دلیل این مشکل، دانستن اینکه چگونه می‌توان آنها را به طور مؤثر منتقل کرد، اگر این مفهوم یا این چیز این شیء، در زبان مقصد وجود نداشته باشد یا وجود نداشته باشد، چالش برانگیز است. بنابراین، قبل از اینکه چنین اصطلاحاتی ترجمه شوند، باید کشف کنیم که این کلمه به چه معناست و شاید بیش از یک معنی داشته باشد. و بنابراین، این معانی در زبان مقصد و در فرهنگ مقصد چیست؟ و بنابراین، باید فرآیندی برای فهمیدن معنای اصطلاح داشته باشیم.

این می‌تواند یک فرآیند عمیق باشد. می‌تواند شامل تحقیقات زیادی از هر دو طرف باشد. این شامل بررسی آیاتی است که کلمه در کتاب مقدس در آنها آمده است، یافتن معانی مختلف و سپس تعیین اینکه چه معنایی یک آیه خاص را در مقابل آیه دیگر تحریک می‌کند.

و به یاد داشته باشید، ما همیشه می‌گوییم کلمات به طور خاص در بافتی که در آن رخ می‌دهند تعریف می‌شوند. نمی‌توانید بگویید که همیشه یک معنی فراتر از همه حواس دارد. برای مثال، اگر به کلمه خانه فکر کنیم، خانه، کلمه خانه در عبری به یونانی ترجمه شده است و ما خانه داوود را داریم.

یعنی خاندان داوود. خاندان اسرائیل. یعنی تمام ملت اسرائیل.

در اعمال رسولان ۱۶، زندانبان فیلیپی، او و خانواده‌اش نجات یافتند. بنابراین، منظور از خانه در این متن چیست؟ این به معنای خانواده‌اش، خدمتکارانش، هر کسی که آنجا بود، می‌باشد. پس این اهل خانه است.

و بنابراین، هر یک از آنها معنای متفاوتی دارند. و بنابراین، هنگام تحقیق در مورد این کلمات به زبان یونانی و عبری، باید این نکته را در نظر داشته باشیم. باید بدانیم که آیا آنها معانی متفاوتی دارند، باید بدانیم که چه زمانی یکی در مقابل دیگری فعال می‌شود.

در اینجا چند نمونه از ایده‌ها یا مفاهیم ناشناخته‌ای که در کتاب مقدس می‌یابیم، آورده شده است. بنابراین، گیاهان و حیوانات، انواع درختان، میوه‌ها، محصولات باغی، گیاهان، گوسفند، بز، شتر، الاغ، اسب، خرس، شیر و انواع پرندگان. این یک گروه است.

شکل‌گیری‌های جغرافیایی شامل دریاچه‌ها، اقیانوس‌ها، دریاها، کوه‌ها، بیابان‌ها، جنگل‌ها و مناطق بکر می‌شوند. برای مثال، چگونه کلمه بیابان را برای افرادی که در جنگل زندگی می‌کنند، ترجمه می‌کنید؟ به همین دلیل است که این موارد چالش برانگیز هستند. آب و هوا یا فصول، برف، یخ، زمستان، تابستان

همانطور که گفتیم، در اورما، ما سه فصل داشتیم: گرم، گرم‌تر و داغ‌ترین. اما در واقع، در کنیا، شما یک فصل خشک دارید و سپس برای مدت کوتاهی باران می‌بارد. و سپس یک فصل خشک دارید و سپس برای مدت طولانی‌تری باران می‌بارد.

بنابراین، ما آن را باران‌های طولانی و فصل خشک طولانی، باران‌های کوتاه و فصل خشک کوتاه می‌نامیم. و این چرخه‌ای است که ما در شرق آفریقا می‌بینیم. وقتی برف و یخ و زمستان و از این قبیل چیزها دارید چه می‌کنید؟ وزن و پیمان، ذراع، استادی، پیاده‌روی سبت، عمر

خدای من، دارم کتاب روت را می‌خوانم، وقتی روت و بوعز شب هنگام همدیگر را ملاقات کردند. و بعد چیزی که می‌گوید این است که شالت را بردار، و من به تو مقداری غله می‌دهم. و می‌گوید که او برای او شش [واحد پول] اندازه‌گیری کرد.

می‌گوید شش تا، چی؟ ما نمی‌دانیم که آیا شش تا، عومر است یا شش تا، ایفا است؟ شش تا، چی؟ ما نمی‌دانیم. بنابراین، وقتی آنها در عروسی قانا بودند، مریم به عیسی گفت، آنها شراب ندارند. و عیسی گفت. هنوز وقت من نرسیده است.

او می‌گوید، هر کاری که او به تو می‌گوید با خدمتکاران انجام بده. و بعد او به خدمتکاران می‌گوید، بسیار خوب، این شش کوزه سنگی را پر از آب کنید. و بعد به ما مبلغی می‌دهد.

و بعد باید بفهمیم چطور با آن برخورد می‌کنیم. وزن و مقیاس. بسیار خوب، پول، شیکل، دینار، قنطار. قنطار هم یک معیار وزن است.

شما چیزهای فرهنگی رایج، ترازو برای وزن کردن چیزها، گاوآهن، آسیاب، سکان، سپر، تیر و کلاهخود دارید. و بعد خانواده سلطنتی، پادشاه، ملکه، تاج و تخت را دارید. شما یوزباشی‌ها، فرمانداران و ارتش را دارید.

شما اصطلاحات مذهبی دارید، کاهن، معبد، لای و همه اینها. برخی مفاهیم ناشناخته دیگر، مفاهیم انتزاعی مانند امید، ایمان، تقدس و حتی کلمه خدا هستند. بنابراین، تعیین معنا مستلزم درک حوزه فرهنگی است که آن اصطلاح به آن تعلق دارد.

و هر حس به حوزه‌ی متفاوتی تعلق دارد. درست همانطور که گفتیم، وقتی یک حس از خانه دارید، اگر بگویید آنها به خانه‌ی پیترو رفتند، آن ساختمانی است که او در آن زندگی می‌کرد. بنابراین، این یک چارچوب مرجع رابطه‌ای است.

اگر بگویید خانه داوود، آن یک چارچوب مرجع متفاوت است. بنابراین، هر معنای کلمه، تصویر متفاوتی را تداعی می‌کند، یک چارچوب مرجع متفاوت. و سپس وقتی معنای اصطلاح فهمیده شد، فرآیند بعدی بررسی این است که چه کلمات ممکن می‌توانیم در این زبان مقصد داشته باشیم که بتوانیم از آنها استفاده کنیم.

ما می‌خواهیم مطمئن شویم که همپوشانی معنایی کافی وجود دارد و عناصر معنایی کافی در این سمت از زبان مقصد وجود دارد که در کلمه متن مبدا پیدا کرده‌ایم. و هیچ روش ثابتی برای ترجمه وجود ندارد. و آنچه ما به

شما ارائه خواهیم داد، اصول پیشنهادی یا بهترین شیوه‌ها است، چیزهایی که می‌توانید هنگام تلاش برای ترجمه به کار ببرید.

خب، یکی از راه‌ها استفاده از یک عبارت توصیفی است. مثلاً برای کنیسه، می‌توانید از خانه‌ی دعا استفاده کنید. معبد و کنیسه، شباهت زیادی بین معبد و کنیسه وجود دارد.

اما نکته منحصر به فرد در مورد معبد این است که آنها حیوانات را در آنجا قربانی می‌کردند و هیچ جای دیگری در کل ملت اسرائیل. مخمر، ما وقتی سعی کردیم مخمر را به اورما ترجمه کنیم، با این مشکل مواجه شدیم. و بنابراین، ما به پودری رسیدیم که باعث پف کردن نان می‌شود.

در نهایت، ما با مردم صحبت کردیم، و آنها گفتند، خب، ما همین الان این کلمه سواحیلی، حمیرا، را آوردیم بنابراین، بعد گفتیم، حمیرا. حالا، وقتی به ترجمه این کلمات فکر می‌کنید، این مفهوم را به خاطر داشته باشید که زبان مانند آبی است که به سمت پایین سرازیر می‌شود.

برای رسیدن به انتها، مسیری با کمترین مقاومت طی می‌شود. بنابراین، هر چیزی که استفاده از آن برای مردم آسان‌تر باشد، احتمالاً همان چیزی است که در نهایت از آن استفاده خواهند کرد. بنابراین، اگر این توضیح طولانی را ارائه دهید، احتمالاً آنها بی‌خیال می‌شوند. چرا فقط یک کلمه از سواحیلی قرض نمی‌گیریم و تمامش نمی‌کنیم؟ ببخشید، چرا یک کلمه از سواحیلی قرض نمی‌گیریم و تمامش نمی‌کنیم؟ بسیار خب، و شما نمی‌خواهید یک عبارت طولانی برای توصیف این چیز داشته باشید، به خصوص اگر بارها و بارها استفاده شود.

نکته دوم این است که اگر اصطلاح خاصی در زبان شما وجود ندارد، سعی می‌کنیم از یک اصطلاح عمومی استفاده کنیم. خب، زاکائوس از چه نوع درختی بالا رفت؟ او از یک درخت چنار بالا رفت. آیا کسی واقعاً می‌داند درخت چنار چیست؟ و آیا واقعاً نوع درختی که از آن بالا رفت مهم است؟ در مورد انتقال پیام احتمالاً نه.

و بنابراین، اگر زبان شما کلمه درخت چنار را ندارد، پس او چه کار کرد؟ او از درختی بالا رفت. زگا از درختی بالا رفت. ما چیزی را از معنای کتاب مقدس کم نمی‌کنیم.

ما هم در اورما همین مشکل را داشتیم، وقتی داشتیم پیدایش ۱ را می‌نوشتیم، و در آنجا می‌گوید همه درختان با دانه‌ها و گیاهان و همه این چیزهای دیگر، ما یک کلمه برای درخت داریم. ما حتی یک کلمه برای گیاه نداریم. ما یک کلمه برای بوته‌ها نداریم.

فقط کافی بود بگوییم یک درخت. برای بزرگ، برای کوچک. همین را داشتیم.

استفاده کردیم. بسیار خوب، به جای یک اصطلاح عمومی از یک tree بنابراین، ما فقط از کلمه عمومی اصطلاح خاص استفاده کنید. بنابراین، اگر آنها در داشتن یک کلمه عمومی مشکل دارند، شما مجبورید یکی از کلمات موجود در آن حوزه معنایی را انتخاب کنید.

و بنابراین در مرقس ۶:۳۹، وقتی عیسی به ۵۰۰۰ نفر غذا داد، آنها را به صورت گروهی روی چمن سبز نشانده و مردم پای‌آپا گینه نو با مشاور ترجمه صحبت می‌کردند و می‌گفتند، خب، این چه نوع چمنی بود؟ نمی‌دانم. چه اهمیتی دارد؟ خب، ما کلمه‌ای برای چمن نداریم.

ما این نوع چمن و این نوع چمن داریم. حدود ۱۰ یا ۱۵ نوع چمن مختلف داریم. خب، نمی‌دانم.

خب، چه شکلی بود؟ چه حسی داشت؟ خب، سبز بود، یعنی تازه بود. احتمالاً اخیراً باران باریده، بنابراین احتمالاً برای نشستن نرم بوده است. آنها نمی‌خواستند چمنی را انتخاب کنند که خار داشته باشد، چون وقتی روی آن می‌نشینی، می‌روی، چرا عیسی این کار را می‌کرد؟ او این کار را نمی‌کرد.

بنابراین، آنها مجبور بودند از بین ۱۰ یا ۱۵ کلمه، یک کلمه را انتخاب کنند. آنها باید یک کلمه را انتخاب می‌کردند که به معنای نوعی چمن باشد که نشستن روی آن راحت باشد. بنابراین، این یکی از راه‌های انجام این کار است.

دوباره، یادتان هست در یک سخنرانی دیگر چه گفتیم؟ گاهی اوقات، در ترجمه، سعی می‌کنیم تا جایی که می‌توانیم به متن نزدیک شویم، اما گاهی اوقات، نزدیک شدن باید به اندازه کافی خوب باشد. ما در اینجا چیزی از کاری که عیسی انجام داد کم نمی‌کنیم. این کار معنای متن را خراب نمی‌کند.

ما با محدودیت‌های زبانی آن زبان محدود شده‌ایم. نکته دیگر این است که اگر آن کلمه را در زبانشان ندارند، گزینه دیگر این است که از چیزی مشابه استفاده کنند. بنابراین، اگر به پای‌آ گینه نو بروید و شیطان مثل شیر در اطراف پرسه بزند.

بخشید، شیر چیه؟ ما شیر نداریم. بنابراین، شما چی می‌گید؟ او مثل یک حیوان خطرناک پرسه می‌زنه. و اگر بگید حیوان خطرناک، معمولاً منظور حیوانیه که به چیزهای دیگه، از جمله آدم‌ها، حمله می‌کنه.

وقتی از مقایسه استفاده می‌کنید، کمی آزادی عمل بیشتری داریم، زیرا این مقایسه‌ای است که سعی می‌کند تصویری کلی‌ترسیم کند. بنابراین، در مکاشفه، عبارت سفید مانند برف استفاده شده است که به عیسی اشاره دارد، زمانی که او واقعاً می‌درخشید. در اورما، آنها می‌گویند سفید مانند شیر، زیرا این چیزی است که همه می‌دانند سفید است، و این استاندارد سفیدی است، چیزی.

بنابراین، شما از چیزی استفاده می‌کنید که در آن فرهنگ واقعاً سفیدپوست است. بسیار خب، از یک کلمه از زبان دیگری استفاده کنید. بنابراین، در زبان‌های بانتو در شرق آفریقا، هیچ کلمه عمومی برای خدا وجود ندارد.

آنها ارواح اجدادی دارند، سپس خدایان مکان‌های خاصی را دارند، و در زبانی که ما در شرق آفریقا با آن سر و کار داشتیم، آنها لاک‌پشت، رودخانه، خورشید و چیزهایی از این قبیل را می‌پرستیدند. و هر قبیله نام متفاوتی، برای خدایی که می‌پرستیدند یا خدایی که می‌پرستیدند، داشت. و من با تیم زبان صحبت کردم و گفتم، خب، کلمه شما برای خدا اینجا چیست؟ او، این کلمه برای چیزی است که ما می‌پرستیم.

و من گفتم که واقعاً با این موضوع راحت نیستم. و یک تیم ترجمه دیگر هم با ما بود، و آنها گفتند، خب، ما (mungu) هم همین مشکل را در زبان خودمان داریم، پس چه باید کرد؟ کلمه سواحیلی برای خدا مونگو است. و اگرچه این فرهنگ‌های دیگر ممکن است به زبان سواحیلی صحبت کنند یا نکنند، حداقل به دلیل گسترش مسیحیت در شرق آفریقا این کلمه را می‌دانستند.

بنابراین، اگرچه زبان سواحیلی زبان اصلی نبود، اما آنها هنوز می‌دانستند که مونگو به چه معناست. و آنها می‌دانستند که مونگو به معنای خدای متعال است، و نه هیچ خدای دیگری. و بنابراین برای اینکه نگویند خدا یک لاک‌پشت است یا خدا رودخانه‌ای است که می‌پرستید، به جای آن از مونگو استفاده می‌کردند، و سپس این همه ابهامات را برطرف کرد.

اما آنها برای انجام این کار مجبور بودند کلمه‌ای را از زبان دیگری قرض بگیرند. خب، نمونه‌های دیگری از قرض گرفتن کلمات از زبان دیگر. خب، زبان کینگا در تانزانیا، ما با آنها کار کردیم، و آنها در کوهستان زندگی می‌کنند.

و در آن منطقه کوهستانی، بزرگترین منبع آبی که دارند، نهر یا رودخانه است. بنابراین، آنها نمی‌دانند که هر منبع آبی بزرگ چیست. آنها در زبان خود کلمه‌ای برای آن ندارند.

خوشبختانه، درست بیرون از منطقه کینگا، این دریاچه بزرگ وجود دارد، و مردمی هستند که در کنار دریاچه زندگی می‌کنند و ماهیگیری می‌کنند. بنابراین آنها می‌دانستند دریاچه چیست، چون آن را دیده بودند. آنها در زبان خود کلمه‌ای برای آن نداشتند، اما می‌دانستند چیست.

بنابراین، آنها در نهایت کلمه دریاچه را از آن زبان دیگر قرض گرفتند. آیا می‌توانستند این کار را در زبان سواحیلی انجام دهند؟ بله. اما این زبان دیگر به آنها نزدیک‌تر بود و شباهت‌های دیگری هم با آن داشت. بنابراین منطقی‌تر به نظر می‌رسید.

و کمتر غریبه به نظر می‌رسید چون همه آن کلمه را می‌دانستند، چون این زبان دیگر درست در همسایگی آنها بود، و آنها زبان و واژگان یکدیگر را می‌دانستند. خب، پیدا کردن یک راه خوب برای ترجمه یا بیان کنیسه فریسیان، صدوقیان، مکان‌های نام‌گذاری شده واقعاً دشوار است. کلمه غسل تعمید بسیار بسیار چالش برانگیز است.

آیا می‌توانیم معنی آن را ترجمه کنیم؟ غوطه‌ور شدن به آب یا غوطه‌ور شدن؟ غوطه‌ور شدن؟ وقتی در مسیح تعمید می‌گیریم چطور؟ وقتی در روح القدس تعمید می‌گیریم یا توسط روح القدس تعمید می‌گیریم چه اتفاقی می‌افتد؟ بنابراین، می‌بینیم که کلمه‌ای مانند غسل تعمید تمام این مفاهیم مذهبی و معنوی مرتبط با خود را دارد. و در این صورت، ترجمه صرف معنی آن بسیار بسیار دشوار است زیرا تمام آن معانی ضمنی و معنوی دیگر را از دست می‌دهید. بنابراین، سنت کتاب مقدس، از زمان اولین کتاب مقدس انگلیسی تا به امروز، سنت کتاب مقدس، و حتی در سایر زبان‌های خارجی، آنها تمایل دارند این کلمات را از یونانی به انگلیسی ترجمه کنند و حتی آنها را از انگلیسی قرض نگیرند.

استفاده می‌کنیم، و بنابراین این کلمه را با وام گرفتن از این کلمات، به baptize خب، در انگلیسی ما از کلمه آسان‌تر از تلاش برای ساختن یک عبارت Pharisee حرف اول کلمه تبدیل می‌کنیم، و ترجمه و توضیح کلمه طولانی است که توضیح می‌دهد فریسی کیست. بنابراین، سعی می‌کنیم به این فکر کنیم که چگونه می‌توانیم این کلمات را به بهترین شکل منتقل کنیم. چند نکته دیگر در مورد وام گرفتن یک کلمه از زبان دیگر. باید مراقب باشیم که زیاد از چیزی قرض نگیریم.

آیا یک زبان بانگو که شبیه سواحیلی است واقعاً می‌تواند کلی کلمه سواحیلی از آن قرض بگیرد؟ بله. اما چه اتفاقی می‌افتد؟ ترجمه خارجی به نظر می‌رسد. این ما نیستیم.

این زبان ما نیست. و اگر منظورتان گروهی از مردم است که به انجیل دسترسی ندارند یا گروهی از مردم که در آن تعداد زیادی غیرمسیحی وجود دارند که شروع به خواندن کتاب مقدس کرده‌اند، خواهند گفت که این زبان ما نیست. و وقتی می‌گویند این زبان ما نیست، چه چیز دیگری می‌گویند؟ ما نمی‌خواهیم این کتاب مقدس را بخوانیم.

بنابراین، کل مسئله‌ی مقبولیت از بین می‌رود. و آنها کتاب مقدس را قبول ندارند، که یعنی انجیل را هم قبول ندارند. و انجیل را به خاطر زبانی که در ترجمه استفاده شده، رد می‌کنند.

نه لزوماً به این دلیل که با آموزه‌های آن مخالفند، بلکه به دلیل کل ماجرای کتاب مقدس، شاید حتی کتاب هم نداشته باشند، شاید این موضوع در کل عجیب باشد، اما وقتی آن را ترجمه می‌کنید، نمی‌خواهید این اتفاق بیفتد. بنابراین، ما از استفاده از واژگان خارجی اجتناب می‌کنیم. و با رد کتاب مقدس و با رد انجیل، در واقع آنها خدا را رد می‌کنند.

از یک نظر، ما با استفاده بیش از حد از کلمات خارجی که برای آنها و زبانشان عجیب به نظر می‌رسد، مانع از برقراری ارتباط آنها با خدا می‌شویم. ما می‌خواهیم از این امر جلوگیری کنیم. واقعاً باید در استفاده از کلمات خارجی زیاد مراقب باشیم.

و بنابراین، گزینه شماره پنج چیزی شبیه نمک است. شما آن را در غذا می‌پاشید، اما مقدار زیادی از آن را داخل غذا نمی‌ریزید. ششم، کجا می‌توانید از یک کلمه از زبان مقصد استفاده کنید و آن را دوباره تعریف کنید؟ بنابراین، در یونانی سه کلمه برای عشق وجود دارد، اروس، فیلئو و آگاپه.

و آگاپه، برداشت من از تحقیقاتی که توانسته‌ام انجام دهم، این است که از ابتدا چندان رایج نبوده است. این کلمه به شیوه‌ای منحصر به فرد در عهد جدید به معنای عشق بی‌قید و شرط استفاده می‌شود. لزوماً در زبان یونانی آن زمان به این معنی نبوده است، اما در عهد جدید، لب‌های عیسی، نوشته‌های پولس و غیره استفاده شده است.

و بنابراین، این معنی آگاپه خدا را به خود گرفت، که به این معنی است که خدا هیچ تبعیضی قائل نیست. او یهودیان را بر یونانیان ترجیح نمی‌دهد. او غیریهودی، سکاپی یا آزاد، مرد یا زن را ترجیح نمی‌دهد.

اما انجیل برای همه است. و بنابراین، کل این ایده که خدا این عشق را برای همه مردم دارد، در این کلمه آگاپه جای گرفته است. و بنابراین، زندگی مستقل خود را فراتر از آنچه در ابتدا بود، به خود گرفته است.

و در طول تاریخ، این اتفاق افتاده است، و اکنون امروز پذیرفته شده است. بسیار خوب، در اورموند، ما یک مسئله جالب، یک مشکل، داشتیم، وقتی که داشتیم کتاب پیدایش را ترجمه می‌کردیم. و مسئله این بود

ما سعی کردیم بگوییم، چگونه می‌توانیم این را منتقل کنیم که ابراهیم قربانگاهی ساخت و قربانی کرد؟ و به من گفته شد، خب، ما این مکان مقدس را داریم که می‌سازیم. و در این مکان مقدس، شما وارد می‌شوید، دعا می‌کنید، حیوانات به آنجا نمی‌روند، بچه‌ها به آنجا نمی‌روند. شما فقط به آنجا می‌روید، دعا می‌کنید و خدا را می‌پرستید.

بنابراین، گفتم، شاید بتوانیم از آن استفاده کنیم. مشکل این بود که محاله یک حصار کوچک بود. تقریباً از این میز بزرگتر است، اما حدود پنج فوت دور آن است.

و شما چوب‌هایی را در زمین قرار می‌دهید، و این حصار شماست. و یک روزنه دارد، و هیچ دروازه‌ای روی آن نیست. و شما از طریق روزنه وارد می‌شوید، و در این منطقه حصارکشی شده قرار می‌گیرید، و می‌نشینید.

کوچک است، اما مکانی مقدس است - یا به نوعی مکانی مقدس.

و بنابراین، ما گفتیم، باشه، بیاید امتحانش کنیم. اما بعد تصویری را در پشت کتاب پیدایش که ترجمه کرده بودیم قرار دادیم و گفتیم، این شکلی است که یک محله به نظر می‌رسد. تلی از سنگ است، سنگ‌های تراش نخورده، و شما حیوانات را روی آن قربانی می‌کنید.

و بعد هیزی را که حیوان روی آن است روشن می‌کنید و آن را برای خدا می‌سوزانید. آنها مفهوم را درک می‌کردند. آنها در مورد قربانی‌ها می‌دانستند

آنها از سوزاندن حیوانات برای خدا خبر داشتند. اما ما این کلمه ماهالا را به شیوه‌ای متفاوت بازسازی و اصلاح کردیم. شماره هفت، یک کلمه جدید بسازید

شما فکر می‌کنید، خب، این افراطی است. در واقع، نه، اینطور نیست. از زمان ظهور کامپیوتر و فناوری، چند کلمه جدید آمده است؟ پایگاه داده، هارد دیسک، ماوس

را به معنای موش تغییر دادیم. در مورد پیامک چطور؟ پیامک با ظهور تلفن همراه آمد. و mouse ما کلمه پیامک به معنای سند کتبی است

بنابراین، هنوز هم می‌توانید در مورد متن صحبت کنید. متن روزنامه این را می‌گفت. اما این به خودی خود به معنای پیامی است که شما از طریق تلفن همراه به شخص دیگری منتقل می‌کنید

وقتی از کامپیوتر استفاده می‌کنید به آن چه می‌گویند؟ ایمیل. یک کلمه جدید دیگر. و ایمیل مخفف چیست؟ پست الکترونیکی که به اختصار ایمیل می‌شود

همه آن کلمات جدیدی که اختراع کرده‌ایم. و بعد کلمات عامیانه، رفیق، دشمن، گرسنه و همه این کلمات دیگر. آنها هر روز کلمات عامیانه جدیدی اختراع می‌کنند

واژه‌سازی‌ها گاهی اوقات می‌توانند به پر کردن شکاف‌ها و مفهوم موجود در کتاب مقدس به زبان مقصد کمک کنند. سپس، شما باید با آموزش، پاورقی‌ها، توضیحات و مواردی از این دست، معنای آن را پر کنید. و نسخه کینگ جیمز، که در ابتدا تحت تأثیر ویلیام تیندال بود، با مجموعه‌ای از کلمات جدید به وجود آمد زیرا کلمات نداشتند

و بنابراین، آنها با یهوه، عید فصیح، کفاره، بز قربانی، تخت رحمت، نان تقدیس روبرو شدند. و او در مقابل مقامات مذهبی آن زمان ایستاد. به جای انجام توبه، او در واقع از کلمه توبه استفاده کرد

توبه کردن یعنی اینکه باید کاری انجام بدهی که به خدا بگویی پشیمانی و این کارها را انجام می‌دهی، هر چه که باشد. اما او گفت توبه مسئله‌ی قلب است. می‌توانی این کار را بدون انجام هیچ کار فیزیکی انجام دهی

بنابراین، او آن را وارد کرد و از آن استفاده می‌شود. با گذشت زمان، این موارد در زبان و فرهنگ عادی، عادی، هنجاری و حتی در خارج از کلیسا نیز عادی می‌شوند. بنابراین، کلمات جدیدی که به کتاب مقدس زبان مقصد وارد می‌شوند، می‌توانند از طریق کاربرد کلیسا، مسیحیان، و همچنین در خارج از کلیسا رایج شوند

نکته آخر اینکه، می‌توانید در ابتدا، حداقل گاهی اوقات، از ترکیبی از این روش‌ها استفاده کنید. اما اگر کلمه‌ای است که زیاد استفاده نمی‌شود، می‌توانید از یکی از این روش‌های مختلف استفاده کنید. یکی از روش‌ها استفاده از یک عبارت توصیفی به همراه یک کلمه قرضی است

بنابراین، اگر از کلمه کنیسه استفاده کنید و آن را به صورت کنیسه و خانه نماز ترجمه کنید، یا در متن کنیسه دارید، نوعی از آن را می‌نویسید، و ضمناً وقتی کلمه‌ای را به صورت کنیسه ترجمه می‌کنید، باید با صداهای در انتهای هر کلمه یا یک مصوت | موجود در زبان مطابقت داشته باشد. بنابراین، در زبان سواحیلی، یک

mahala، خانه نماز، A، کنیسه. بنابراین شما می‌گویید کنیسه، sunagoga قرار می‌دهند، و بنابراین می‌شود مکانی برای قربانی کردن، یا مکانی برای قربانی کردن، mahala kama، برای محراب mahala، orma، برای خدا.

خب، این یکی از ترکیب‌های ممکن است. ترکیب دیگر استفاده از یک کلمه توصیفی، یک عبارت توصیفی به همراه واژه جدید، کلمه جدیدی که شما ابداع کرده‌اید، است. و باز هم، گفتیم که می‌توانید از پاورقی‌ها و واژه‌نامه‌ها استفاده کنید.

شما می‌توانید یک کتابچه کتاب مقدس درست کنید و تصاویر کوچکی در آن قرار دهید، و این شکلی است که یک شتر برای مردم پاپوآ گینه نو دارد، و می‌توانید اندازه و شکل آن را نشان دهید. هر چیزی که بتوانید استفاده کنید، واژه‌نامه‌ها، همه اینها، می‌تواند درک خواننده را افزایش دهد تا آنها بدانند که کتاب مقدس درباره چه چیزی صحبت می‌کند. ما باید به یاد داشته باشیم که ما در حال انجام یک کار بسیار بسیار بنیادی هستیم این کتاب باستانی را بیش از ۲۰۰۰ سال پیش می‌بریم و آن را به گروهی از مردم که هیچ ایده‌ای از آنچه ما در مورد آن صحبت می‌کنیم ندارند، منتقل می‌کنیم.

آنها هیچ ایده‌ای ندارند که این خدا چیست، کیست، چه می‌کند و چرا این کار را می‌کند. و بنابراین، آنها به حد اکثر کمکی که می‌توانیم به آنها بدهیم نیاز دارند تا بتوانند این موارد را در کتاب مقدس درک کنند. بنابراین، گزینه‌های زیادی برای ترجمه وجود دارد.

این فرآیند با همکاری کلیسا انجام می‌شود و دوراندیشی زیادی در آن دخیل است. گاهی اوقات آن را امتحان می‌کنید و می‌بینید، آیا این چیزی است که مردم آن را درک می‌کنند؟ آیا برای آنها راحت است؟ آیا رهبران کلیسا آن را می‌پذیرند؟ آیا آنها هنگام موعظه از آن استفاده می‌کنند؟ اتفاقاً این یک آزمون لیتاموس واقعاً خوب است، یک ابزار واقعاً خوب برای ارزیابی. آیا این در کلیسا استفاده می‌شود؟ کشیشان هنگام موعظه از چه چیزی استفاده می‌کنند؟ اگر واقعاً کار نمی‌کند، واقعاً مناسب نیست، پس همه شما با هم صحبت می‌کنید و می‌گویید، بسیار خوب، بیایید به گزینه‌های مختلف فکر کنیم، به روش‌های دیگری که می‌توانیم این ایده‌ها و مفاهیم ناشناخته را منتقل کنیم. بنابراین شما ترجمه می‌کنید، اما دائماً برخی از این مسائل را مرور می‌کنید.

بعضی وقت‌ها لازم نیست دوباره به متن مراجعه کنید؛ بعضی وقت‌ها هم لازم است. همانطور که بعد از ترجمه کل عهد جدید، برمی‌گردید و آن را ویرایش می‌کنید، قرار است کل متن را برای بار دوم یا سوم از ابتدا تا انتها ویرایش کنید. همین کار را با اصطلاحات کلیدی هم باید انجام دهید.

همین اتفاق در مورد این ایده‌های ناشناخته هم می‌افتد. در نهایت، در این ارائه ما در مورد ایده‌های ناشناخته صحبت کردیم، اما بسیاری از اصطلاحات دیگری را که می‌توانستیم پوشش دهیم، پوشش ندادیم. اصلاً وقت نداریم.

و خیلی پیچیده‌تر است. مثلاً چه چیزهایی؟ خدا، روح، قدوس، ایمان، فرشتگان و شیاطین، تقدیس، توجیه، کفار و این فهرست ادامه دارد. فرآیند ترجمه اینها به این معنی است که شما عمیق‌تر به دنیای کتاب مقدس دنیای عبرانیان و یونانیان، اینکه آن حوزه‌های معنایی چیستند، دامنه کلماتی که با هم می‌آیند چیست، چگونه می‌توانید تعامل بین کلمات مشابه در یک حوزه را درک کنید، و سپس حوزه‌ای که این حوزه با آن مطابقت دارد چیست، و چگونه کلماتی را انتخاب می‌کنیم که بیشترین معنایی را که می‌خواهیم منتقل کنیم، حمل می‌کنند، یا باید کلمه جدیدی بسازیم، یا باید راه دیگری برای توضیح این مفهوم داشته باشیم.

خب، این حداقل نمونه‌ای از نحوه‌ی ترجمه‌ی این ایده‌های ناشناخته توسط ما بود، و امیدوارم که این مطلب برای شما مفید بوده باشد. متشکرم.

من دکتر جورج پیتون هستم در تدریس در مورد ترجمه کتاب مقدس. این جلسه ۱۵ است، چالش‌ها در ترجمه و ارتباط، مسائل زبان‌شناسی، ایده‌های ناشناخته